

## مشاهیر افغانستان

( ۴ )

نویسنده: سرورخان جويا

ابو داؤد ( سجستانی ) : ایمان بن الاشعث بن اسحق بن بشیر بن شداد بن عمر بن عمران سجستانی ( -یستانی ) از علما و محدثین مشهور قرن

سوم هجری و صاحب کتاب سنن است که یکی از صحاح سته بحساب میرود ، ولادت او در سال ۲۰۲ هجری اتفاق افتاد و آوان صباویش در نیشاپور گذشته ، پس از سن رشد در اغلب بلاد اسلامی مسافرت کرده و هر کجائی یکمدتی برای تحصیل علم اقامت نموده بترکوار وارد بغداد شده و از آنجا بنواحی دیگر شتافته تا بالاخره در شهر بصره توطن جسته است .

از علمای کامل و فقهای فاضلی چون ابن حنبل ، احمد بن صالح ، مسلم ابن ابراهیم ، احمد بن عییدبره از فقه برده و استفاده از علم حدیث نموده و هم بعد از فراغ تحصیل خودش مدتی مراجع استفاده بسیاری از طالبین این علوم مخصوصاً اهالی بصره واقع گردیده در بصره وفات یافته است فقط در تاریخ وفاتش يك اندازه اختلاف است ، نامش در انوار ناصری وفات این فاضل سجستانی را روز جمعه نیمه شوال ۲۷۵ یا ۷۳ یا ۷۲ قد کرده و این خلکان ۲۸۵ یا ۲۷۵ نوشته بلکه همان روز جمعه نصف شوال سال ۲۷۵ را صحیحتر میدانند .

ابو حاتم بستی : محمد ابن حبان ابن احمد ابن حبان بستی از اجل علما و اعظم بستی و

ارکان محدثین اسلام است و در قرن ۴ هجری فی مابین مشاهیر عالم

اسلام شهرتی بسزا داشته است .

این عالم بستی از اوائل جوانی مایل تحصیل علوم بوده و برای نیل به مقصود همیشه در اقطار عالم مسافرت هائی کرده ، گاه در حوالی ترکستان و گاه بنواحی

عربستان هر جا از عالمی سراغی میگرفت همانجا میشتافت ، باثبات حموی زیاده بر هفتاد نفر از مشایخ و اساتید برای او قابل شده است ولی قدمت های بیشتر فقه و حدیث را نزد ابوبکر بن محمد بن اسحاق فرا گرفته علاوه فقهی بستی در علوم طب و نجوم نیز احاطتی داشته و پس از فراغ تحصیل اکثر اوقات به تدوین کتب و تالیفات نافع در علوم متنوعه اشتغال می ورزید و هم در آوان حیات چندین مسافرت در سمرقند و سایر بلاد بمنصب قضاوت شرعیه تقرر یافت تالیفات وی را ( ۱ ) تقریباً تا ۲۵ جلد می نویسند که حاوی از علوم متنوعه است وفات او در سیستان بتاريخ ۲۲ شوال ۳۵۴ اتفاق افتاده و جسدش را در بستان نقل داده اند .

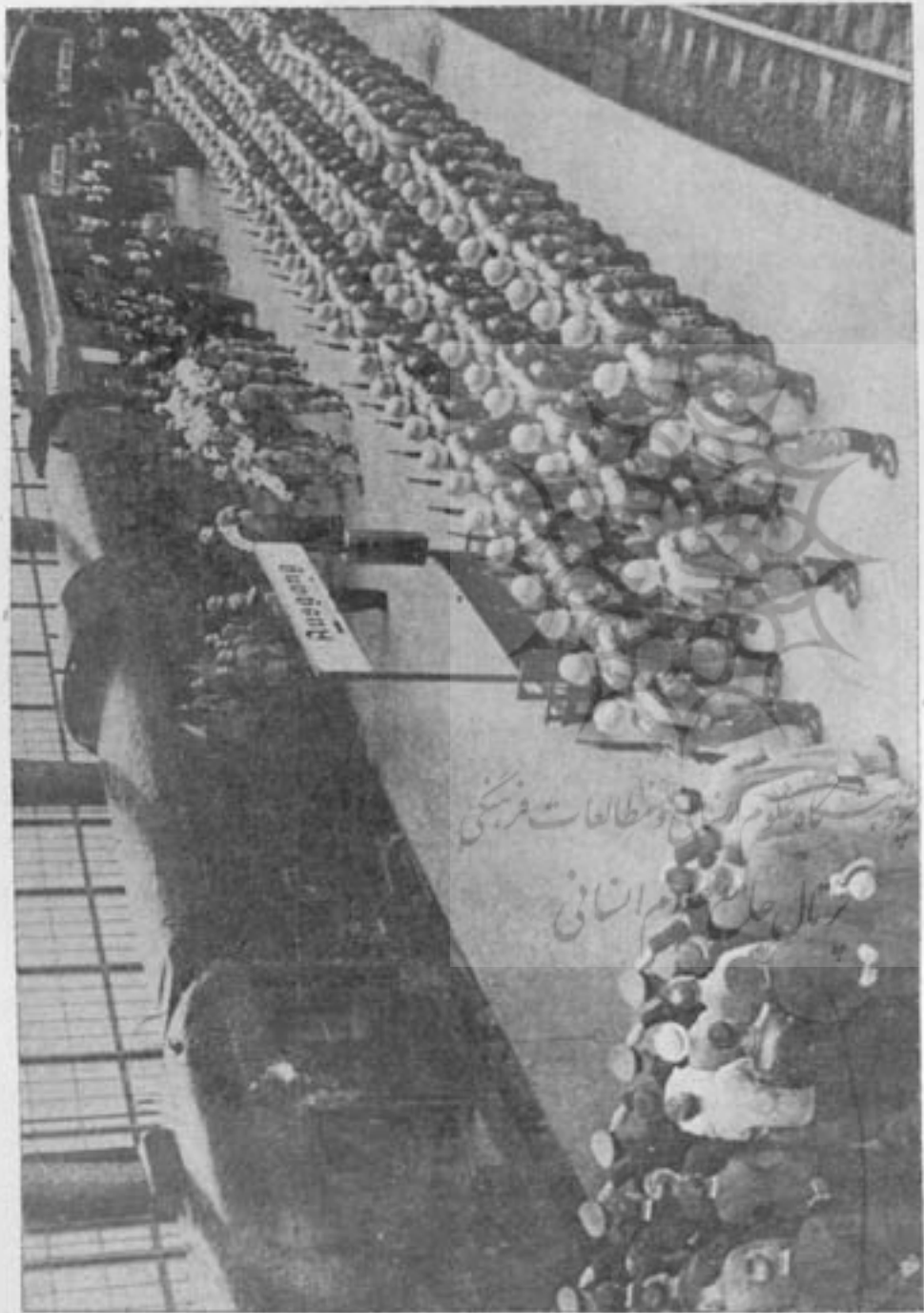
ابوحاتم سجستانی : سهل ابن محمد بن عثمان بن زبید نحوی سجستانی ( سیستانی )

از مشایخ اسلام و علمای متبحری است که در قرن سوم با معروفیت نامی

میزبسته و در علم تفسیر و فن لغات و صناعت شعر و مقام عالی داشته دوره های جوانی او نیز در بلاد مختلفه مصروف تحصیل شده و اخیراً در بصره مقیم شد ، فن قرائت از یعقوب مقرئ و صناعت اعراب از اخفش نحوی آموخت . علم حدیث از ابو عبیده بصری ، عبدالباق اصمعی حسین بن فضل هاشمی ، ابوزید انصاری ، عمر بن کرکره و زورج بن عباد الحنفی نمود و درین علوم به پایه ارتقا جست که اخیراً خودش مرجع استفادۀ طالبین دیگر و واقع گردید و بسیاری از علما و افاضل عهد خویش را مانند محمد بن درید نفوی و ابوالعباس مبرد نحوی و غیرها را بشاگردی خویش بگزید ، گرچه ابو حاتم زیاده برین مسائب فضیلت و اهلیتی که نزد فضلی ماصر خود داشت در محافل حکام عهد خویش نیز با احترام تمامی پذیرائی میشد ، و چندان گمان آن نیرفت که برای رفع احتیاجات زندگی کسب و پیشه اختیار نماید مع هذا تجارت کتب را پیشه خود قرار داده ازان وسیله امرار معاشی مینمود وفات او در بصره بسال ۲۴۸ یا ۵۰۵ هجری واقع شده و مولفات وی را تا ۲۹ جلد می نویسند که قدمت بیشتر در علم نحو و قرائت و فقه است .

نامه دانش دران طریقه های ذیل را در فن مکتوب نویسی مخفی از تجربیات او می نویسند :

( ۱ ) قسمت مؤلفات مشاهیر را چون همکاری عزیز آقای زنجی درین مجله زیر عنوان مؤلفات افغانستان یکسلسله مقالات مبسوطی تحت تحقیق گرفته و بنوشتن شروع کرده اند لذا بنده از اسم بردن آثار مشاهیر صرف نظر کرده و آنرا تکرار نمیکنم .



عمل جنازه سردار شهید والاحضرت محمد عزیز خان مرحوم در برلن که دو (استیشن) جاده فردریک برلن استراسه از طرف نمایندگی جناب رئیس جمهور هند بونگ و وزیر خارجه آلمان و هیئت کور دیپلماتیک و باقی معتزین و یکدسته عساکر متابیت شده و در واگون مخصوص شهزاده ها گذاشته میشود . قسمت عمده گلها کاکووی تابوت و ازین میدهه هدیه رئیس جمهور و وزیر خارجه است .



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

اگر کسی نخواهد که نوشته او در روی کاغذ از نظر دیگران مکتوم بماند در عوض رنگ با شیر بنویسد و وقتی که بخواهند مرقومات ظاهر گردد مقداری کاغذ را سوزانیده و بصفحه مکتوب بیفشانند سطور مرقومه نمودار میگردد ، و یا بطریق دیگر برای همان مقصود بروی کاغذ با آب زاج سفید بنویسند و زمانی که بخواهند مرقومات ظاهر شود مقداری از مازوی سائیده بر آن کاغذ بپاشند سطور مخفی بنظری آید ، و در طریق ثالث همین دو جزو آخر التذکر برعکس بکار انداخته یعنی با مازو بنویسند توسط زاج سائیده نمودار خواهد گردید .

ابوبکر بن ابی داؤد سیستانی : عبدالله بن سلیمان سجستانی الاصل و از مشاهیر محدثین

قرن چهارم هجری بوده اکثر بلاد مختلفه را با پدر متجدداً

سپاحت کرده و از مشاهیر شیوخ استماع احادیث شریفه نموده است سالی يك صاحب قاموس الاعلام می نویسد که ابوبکر در جوانی راجع بعلم حدیث شهرت نامه را احراز کرده و در بزرگی بقطار اکابر محدثین عصر خویش قرار گرفت ۸۵ سال از مراحل عمر را طی نموده و در سال ۳۱۶ هجری بدرود جهان گفت .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ابوبکر قفال : عبدالله بن أحمد قفال مروزی از فقها و زهاد نامدار قرن پنجم هجری است ،

ابن خلکان دروفیات الاعیان می نویسد که قفال شافعی مذهب و در علم فقه

وزهد و ورع و حید عصر بوده ، ابوبکر در بزرگی سن به تحصیل علم اشتغال نمود یعنی هنگامیکه شروع به آموختن فقه کرد در سن ۳۰ سالگی بود دوره شباب را بعمل قتل سازی گذرانید و در پشه نیز مهارتی بسزا داشت ، و ازان حیث قفال نامیده شده و تا اواخر آوان حیات باین اسم یاد میشد .

قفال در سن ۹۰ سالگی بتاريخ ۴۱۷ زندگانی را وداع گفته و در سجستان مدفون

گردیده ، قبر او نیز معروف عالم و بلکه زیارت گاه اخلاص کیشان اوست .

ابوبکر الوراق :

محمد بن عمر حکیم الوراق الترمذی از مشاهیر فضلا ، عرفا و زهاد قرن سوم هجری و صاحب تهذیب نفس و خلق ممتازی بوده ، ابن عارف کامل ترمذی الاصل است ولی سکنی و توطن در بلخ داشته و نسبتی هم به احمد بن خضروه میرساند گنبد آسمانی را خوانده و در اشعار عرب نیز دستی داشته و بقول صاحب تذکرة الاولیا او را مؤدب الاولیا و کشته نفس و مبارک نفس گفته اند و هم در ریاضات و آداب تصنیفاتی دارد صاحب نفعات الانس می نویسد ابوبکر تصانیف بسیار حتی دیوان شعری هم دارد و از کلمات اوست : اگر طمع را بپرستند پدر تو کیست گوید شک در مقدور و اگر گویند پیشه تو چیست گوید اکتساب ذل و خواری و اگر گویند غایت تو چیست گوید حرمان ، در اواخر قرن سوم هجری اتفاق افتاده و مهاجرتش در بلخ در جنب مرقد احمد خضروه واقع است .

ابن قتیبه :

عبدالله ابن مسلم ابن قتیبه (۱) از علمای نام آور مروی الاصل و از مشاهیر نحوی در قرن سوم هجری محسوب است پدرش از مرو و در محل تولد و سال وفاتش بین مؤرخین و تذکره نویسان اختلافات است بعضی محل تولدش را کوفه و برخی بغداد نوشته اند بقیته الوعاة - بیوطی تاریخ تولد او را در ۲۱۳ و وفاتش را ۲۷۶ قید کرده و بروایت ابن خلکان تولد او همان ۲۱۳ است اما تاریخ وفات او ذیقعده ۲۷۰ یا شب اول رجب ۲۷۱ و یا در نصف رجب ۲۷۶ است ولی خود مؤرخ به قول مؤخرالذکر ۲۷۶ اظهار اعتماد می نماید تحصیلات ابن عالم فاضل در بغداد و هم در انخطه مسکن اختیار کرده و بگرفته تالیفاتی در علوم متنوعه دارد که در نظر علما و مؤرخین کلام مفید شناخته شده صاحب قاموس تقریباً ۲۴ کتاب مانند آداب القرائه ، ادب الکاتبین ، تقویم اللسان ، جوامع نحو کبیر و صغیر ، دیوان الکتاب و الشعر و غیره از آثار او را اسم برده و هم می نویسد که ابن قتیبه به دینوری نیز مشهور است و این شهرت از آن

(۱) قتیبه بسم (ق) و فتح (ت) و سکون (ی) و فتح (ب)

رهگذر است که او چندی در دینور ( ۱ ) قضاوت داشته .

ابو عبیدالله: عبیدلواحد بن محمد الجوزجانی از حکما و دانشمندان مشهور اسلام در اوایل قرن پنجم هجری است که در فلسفه و علم طب و دیگر فنون حکمت بصیرت کاملی داشته .

این مرد فاضل ازان شاگردان رشید و با وفای ابن سینا بشمار میرود که در هنگام حیات و عمارت استاد بزرگوارش مراتب خلوصیت و قدر شناسی را بمرض شهود و ثبوت رسانیده . تولد ابو عبیدالله در جوزجان ( ۲ ) اتفاق افتاده و هم در آن محل نشو و نما یافته و بمیل خویش مدتی مشغول تحصیل علوم شده پس از تهیه مقدمات علمیه چون بحصول حکمت رغبتی داشت لذا در مسقط الراس خود عزیمت سفر کرده و تجسس اساتید فن او را بسعادت ادراک خدمت شیخ الرئیس نایل می سازد .

ابو عبیدالله در جرجان نزد شیخ رسیده و مشغول با استفاده گردید ، در آوان تحصیل طوری محل توجه و وثوق استاد خویش واقع شد که در ایام فراغت هم سمت مصاحبت شیخ الرئیس را یافته و تا اواخر عمر او دوری نکزید و از هیچ گونه متابعت و انجام او امر او دست نکشید مخصوصاً در اوقات مصروفیت و اشتغالات رسمی او جمع و تدوین کتب و تالیفات شیخ اکثراً بعهده ابو عبیدالله بوده ، صاحب مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار و فلا سفته الامصار می نویسد : اغلب حالات و گذارشات و ترجمه احوال شیخ را ابو عبیدالله بترجیر آورده و نیز زمانیکه شیخ در همدان و اصفهان متصدی امر وزارت بود بجهت کثرت مشاغل دولتی نمیتوانست بامر تالیف کتب بدرستی پرداخت نماید جمع و ترتیب اکثری از مصنفات شیخ با آن حکیم بوده و هم دیباچه و عنوان کتاب شنا از مسطورات اوست ، وفاتش در سال چهار صد و سی و هشت ده سال بعد از وفات شیخ در همدان اتفاق افتاده ، و بروایتی ابو عبیدالله بعد از وفات شیخ الرئیس بجوزجان رفته هم در آنجا وفات و مدفون گردید .

( ۱ ) دینور در عراق عجم از شهرهای کهنه و در ۳۰ فرسخی همدان واقع است که در وقت مدلیت اسلام محصور است .

( ۲ ) جوزجان علاقه های بزرگ و مربوط به بلخ است بین مرو رود و بلخ .

ابو حرب طیب غزنوی از اطباء مشهور اواسط قرن پنجم هجری  
 ابو حرب : است متاسفانه در تذکره‌ها و تواریخ نام و نشان دیگری برای وی قید نشده  
 و در هر کتابی او را بکنیه و نام نسبی ( ابو حرب غزنوی ) یاد کرده اند ، برخی ابو حرب بنای  
 مکنه هم گفته اند غرض در عهدی که او میزیسته معالجات و تجربیاتش شهرت نیکی داشته و در  
 دستگامی سلاطین غزنویه صاحب علوم مقام و اعزاز تمامی بوده بالخاصه پس از اینکه سلطان مسعود  
 بن سلطان محمود را این طیب حاذق بسهولتی از چنگک مرض صعبی نجات داد در دربار او و طیب  
 خاصی معرفی شده و برتبه حکیم باشی سلطان قرار یافت . و چندی به دربار های غزنویان دیگر  
 هم بهمان اعزاز و اکرام اوقات می گذشتند تا اینکه پس از تبدلاتی در اوضاع سلطنت و رسیدن  
 توبه سلطانی به فرخ زاد بن مسعود ، معاندین او و بعضی از امرا که با ابو حرب مخالفی داشتند  
 و از اعزازش رشک میبردند وی را بنام آنکه بطغرل (۱) در خفا دوستی داشته و مرا سلاتی حاوی  
 از اطلاعات دربار بطغرل میفرستاده منبرش ساختند و فرخ زاد آن طیب لایق را به انتقام قتل  
 برادرش عبدالرشید در سال ۴۴۵ هجری بقتل رسانید علی قول صاحب مطرح الانظار آن طیب  
 بی مانند را کتابت در حقه محمد بن اسماعیل بنام سلطان مسعود غزنوی تالیف کرده .

پرتال جامع علوم انسانی

(۱) طغرل نام از حاجبین مودود بن مسعود بوده و عبدالرشید هم در سلطنت خود وی را همین منصب برقرار گردانیده  
 بود ( و بقولی از طرف سلطان عبدالرشید بن مسعود بحکمرانی سیستان نازل شده بود ) در سنه چهار صد و چهل و چهار بر  
 عبدالرشید شوریده و او را مقتول و برای مدت قلیلی (چهل روز) سلطنت نمود تا آنکه بتحرک یکی از امرای غزنین از طرف ارکان  
 دولتی و رؤسای ملی غزنی کشته گشت و فرخ زاد بن مسعود برادر عبدالرشید به تخت سلطنت قرار یافته از قاتلین برادر و  
 متحدین طغرل انتقام کشید .